

به نام خدای خوب

چه کسی جانشین موش قصه‌گو می‌شود؟



سرشناسه	ژولی بوا، کریستیان، ۱۶۴۸ - م. Jolibois, Christian
عنوان و نام پدیدآور	چه کسی جانشین موش قصه گومی شود؟ نویسنده کریستیان ژولی بوا تصویرگر کریستیان هاینریش مترجم سید محمد مهدی شجاعی
مشخصات نشر	تهران: شهر قلم: چکه، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	۴۸ ص: مصور (رنگی).
فروست	مرغذانی پرماجرا
شابک	978-964-2970-29-2
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: Jean qui dort et jean qui lit
یادداشت	گروه سنی: ب.ج
موضوع	داستان های حیوانات
موضوع	داستان های تخیلی
شناسه افزوده	هاینریش، کریستیان، ۱۹۶۵ - م. تصویرگر
شناسه افزوده	Heinrich, Christian
شناسه افزوده	شجاعی، محمد مهدی، ۱۳۶۵ - مترجم
رده بندی دیویی	۱۳۸۸ ک ۷۱ ژ ۵۹۰ دا
نمبارده کتابشناسی ملی	۲۱۰۰۱۸۲



انتشارات چکه	انتشارات شهر قلم
انتشارات شهر قلم با همکاری انتشارات چکه	
چه کسی جانشین موش قصه گومی شود؟ مرغذانی پرماجرا	
نویسنده: کریستیان ژولی بوا مترجم: سید محمد مهدی شجاعی ویراستار: ترانه امیرابراهیمی	
مدیر هنری: علی هاشمی شهرکی تصویرگر: کریستیان هاینریش گرافیک: آذینه چکه/روشنک فتاحی	
چاپ اول: ۱۳۹۰ شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۷۰-۲۹-۲ ISBN: 978-964-2970-29-2	
مدیر تولید: امین باقری چاپخانه: کارنگ • صحافی: کارنگ	
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به نشر شهر قلم است.	
نشانی: تهران، یوسف آباد، خیابان جهان آرا، کوچه ۱۴/۱، پلاک ۴۲/۱، طبقه اول صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۱۸۱۹ تلفن: ۷۷۱۸۱۵۴۵-۶ • شماره: ۷۷۱۸۱۵۴۷ Email: info@shghalam.com مرکز بخش: ۷۷۱۸۱۵۴۵-۶	



سفنی بامادرها و پدرها



سلسله کتاب‌های مرغدانی پرماجرا برای کودکان گروه سنی دبستان نوشته و به زبان فارسی ترجمه شده است. در این کتاب‌ها، ضمن روایت یک داستان تازه، با یک اشاره کوتاه، کودکان را با یکی از شخصیت‌های علمی یا ادبی آشنا می‌کنند. برای مثال، این کتاب درباره‌ی ازوپ است.

هنگامی که به قسمتی از داستان می‌رسید که به ازوپ اشاره شده است، به کودک خود یادآوری کنید که ازوپ، مردی یونانی بود که خیلی خیلی سال پیش (شش قرن پیش از میلاد)، در یونان زندگی می‌کرد. او داستان‌های زیادی نوشت که امروزه، به بیش‌تر زبان‌های دنیا ترجمه شده است.

از داستان‌های معروف ازوپ، داستان روباه و کلاغ و قالب پنیر است که بد نیست آن‌را برای کودک خود تعریف کنید. کتاب قصه‌های ازوپ به فارسی ترجمه شده است.

آن شب در مرغدانی، جوجه‌ها از خوشحالی مثل کک بالا و پایین می‌پریدند. نوک‌دراز، خروسک، شش‌انگشتی، پادراز و بقیه‌ی جوجه خروس‌ها، از سروکله‌ی هم بالا می‌رفتند. اما حنایی و دوستانش، درست مثل یک مجسمه، ساکت و آرام نشسته بودند. قلب همه تند می‌زد. چشم جوجه‌ها به در دوخته شده بود. آخر آن روز دوشنبه بود.

۹ روز دوشنبه

